

گزارش‌ها

زهر اچیزدی

گرانی دارو و بیماران را مریض ترکرد

با نگاهی به جدول افزایش قیمت داروهای می توان دریافت قیمت برخی اقلام دارویی تا ۲۷۰ درصد رشد داشته‌است

دارویی که بنا بسود «قاتق نان» باشد، حالا به «قاتل جان» بیماران تبدیل شده‌است!ماجرای گرانی‌های سرسام آور، حالا به دارو و درمان رسیده و آنچنان بر جان بیماران چنگ انداخته که هزینه‌های یک سرماخوردگی ساده هم می‌تواند بخش قابل توجهی از حقوق ناچیز یک کارگر را به خود اختصاص دهد. در این میان وضع برای بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن و کسانی که ناگزیر بر از مصرف مادام‌العمر برخی داروها هستند، سخت تر هم شده به گونه‌ای که با نگاهی به جدول افزایش قیمت داروهای می‌توان دریافت قیمت برخی اقلام دارویی تا ۲۷۰ درصد رشد داشته‌است.داروهای موجود در این فهرست دارویی، داروهای معمولی هستند که خیلی وقت‌ها برای بیماری‌های ساده‌ای همچون سرماخوردگی و آنفلوآنزا استفاده می‌کنیم!از همه مهم‌تر اینکه با وجود رشد متناوب و بدون توقف قیمت دارو، پوشش بیمه‌ای این داروها هیچ تغییری نمی‌کند تا بازنده مارا تن گرانی‌ها بیمارانی باشند که هر روز بیشتر از دیروز تحت فشارهای اقتصادی ناگزیرند دارو و درمان را به تأخیر بیندازند.یا روز به روز سید زندگی‌شان کوچک‌تر شود تا بتوانند از پس هزینه‌های دارو و درمان بر بیایند.
■ ■ ■

گرانی‌های لحظه به لحظه دیگر بر ایمان به عادت تبدیل شده و انتظارات تورمی‌مان به گونه‌ای شکل گرفته که با هر بار مراجعه به بازار خودمان را برای خرید مایحتاج زندگی به قیمتی بالاتر از روز قبل آماده کرده‌ایم، اما ماجرای دارو و درمان فرق می‌کند. اینجا گاهی وقت‌ها های مرگ زندگی در میان است و حتی در شرایط اقتصادی روبه‌راه‌تر هم، همیشه درصدی از افراد به‌واسطه هزینه‌های کم‌رشدن سلامت به زیر خط فقر سقوط می‌کردند. اما حالا فقط دریا‌ش آنقدر گسترده‌شده که خیلی‌هایمان به سختی می‌توانیم از این دایره سر بیرون بیاوریم. در این میان اما اوضاع برای آنهایی که گرفتار دارو و درمان هستند، سخت‌تر است، به خصوص اینکه تورم در حوزه سلامت و دارو به شکلی افسار‌سنگینته روی سلامتی بیماران

تاخیر و تاژ می‌کند.

■ **ریشه‌های گرانی‌های شدید دارو**

«به دلیل تغییر ارز ترجیحی به نیمایی قیمت این داروها افزایش پیدا کرده‌است.» این را فردوس نصیری‌زاده، مدیرعامل یکی از شرکتهای دارویی می‌گوید. به گفته وی برخی از اقلام دارویی بنا به سیاست‌های ارزی که بانک مرکزی و متعاقبا سازمان غذا و دارو در پیش گرفته‌اند، دیگر ارز مرجع دریافت نمی‌کنند و ارز مرجع آنها به ارز نیمایی تبدیل شده‌است، بنابراین این اقلام مشمول افزایش قیمت می‌شوند و بیماران ناچار به مصرف آنها هستند. این موضوع جزو سیاست‌های سازمان بوده‌است و گماکان ارز مرجع به مواردی اختصاص می‌یابد که با نیاز به مصرف طولانی مدت ندارند یا داروهایی هستند که افزایش قیمت آنها به حدی خواهد بود که لازم است تحت پوشش بیمه قرار بگیرند.

■ **افزایش قیمت دارو فرآیندی پایدار و همیشگی!**

بر اساس مصوبه هیئت وزیران، در صورت افزایش نرخ کالا‌های سلامت به دلیل حذف ارز ترجیحی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است مابه‌التفاوت نرخ جدید با مبلغ پایه ۸ هزار و ۵۰۰ تومان (به حساب سازمان برنامه و بودجه کشور واریز کند. سازمان برنامه و بودجه نیز حداکثر تا پانزدهم ماه بعد، با اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نسبت به تخصیص اعتبار به ذی‌نفعان اقدام خواهد کرد. این تصمیم در راستای حفظ قدرت خرید خانوارها و تأمین مالی کالا‌های اساسی حوزه سلامت اتخاذ شده‌است. دولت در این مصوبه مشخص نکرده این مبلغ به شرکت‌های دارویی می‌رسد یا باید تمام درآمدها بپردازد. در حالی که ارز ترجیحی آن حذف می‌شود. با تمام این‌ها مهدی پیر صالحی، رئیس سازمان غذا و دارو معتقد است مجموع افزایش قیمت دارو در کشور کمتر از نرخ تورم عمومی کشور بوده‌است! وی درباره رشد قیمت‌های دارویی اینگونه توضیح می‌دهد: «افزایشی و اصلاح قیمت دارو با اقدام مقطعی نیست، بلکه یک روند پایدار و همیشگی است و متناسب با افزایش قیمت‌هایی که در نهادهای دارویی اتفاق می‌افتد، اصلاح قیمت دارو نیز انجام می‌شود.»

به گفته وی هر زمان که هزینه‌های یک دارو افزایش پیدا کند، پس از آن با بیمه‌ها هماهنگ شده و تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد. پیر صالحی درباره تدابیر صورت گرفته برای اینکه بار افزایش قیمت دارو مردم را از دینارود، می‌گوید: «مبلغ ۸۵ همت برای جریان مابه‌التفاوت دارو و تجهیزات پزشکی در نظر گرفته‌شده که تاکنون حدود ۵۰ همت آن پرداخت شده‌است، مابقی نیز آن شامله تا پایان سال پرداخت خواهد شد»

■ **تورم عمومی قیمت دارو را بالا برد**

محمد هاشمی، سخنگوی سازمان غذا و دارو درباره دلایل روند افزایش قیمت‌ها در بازار دارو کشور افزایش قیمت داروها را به دلیل شرایط تورمی و تغییر نرخ ارزی دانده معتقد است: «اصلاح قیمت دارو و تجهیزات پزشکی یک ضرورت است تا تولید کنندگان بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند و نیاز دارویی مردم به‌طور پایدار تأمین شود. اگر این اصلاح انجام نمی‌شد، بسیاری از صنایع دارویی کشور امروز امکان ادامه فعالیت نداشتند، بنابراین افزایش قیمت‌ها نه تنها باعث رشد ناچیز داروهای کشور می‌گردد، بلکه به کاهش قیمت دارو می‌انجامد. اما هدف اصلی این اصلاحات حفظ جریان تولید و تأمین دارو برای مردم بوده‌است.» از نگاه سخنگوی سازمان غذا و دارو در شرایط تورمی و تحریم‌های ارز، وعده ثابت کامل قیمت‌ها امکان‌پذیر نیست. در صورت پرداخت به‌موقع مطالبات، تأمین ارز و اجرای درست قراردادها، تجهیز و تأمین به‌طور طبیعی ذخایر و ثابت نسبی ایجاد خواهد کرد، بنابراین ثابت قیمت‌ها بسته به همکاری دولت، مجلس و سایر ارکان تصمیم‌گیر برای رفع مشکلات این شرایط می‌توان انتظار داشت افزایش قیمت‌ها در بازه‌های مشخص انجام شود.

■ **هشدار درباره کاهش ذخایر استراتژیک دارو**

ریشه‌های این ماجرا اما انگار عمیق‌تر از این حرف‌هاست. همچنان که اواسط آذر اسامیل سپید ابراهیم هاشمی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن بخش دارو و مکمل ایران از بدهی عجیب زنجیره تأمین دارو خبر داده و گفته بود: «شرکت‌های بخش دارو تا پایان آبان ۱۵۷ هزار میلیارد تومان از مجموع بازار دارویی کشور طلب دارند که اگر تأمین نشود، مشکلاتی به ویژه در سه ماه پایان سال رقم خواهد زد.» همان زمان هم بهرام کلاتری، رئیس انجمن داروسازان ایران هشدار داد که با وجود تلاش‌های سازمان غذا و دارو، قسقه‌ها و انبار داروخانه‌ها در ماه‌های اخیر لاغر تر شده و در حال از دست دادن ذخایر استراتژیک موجود هستند.

■ **سخت‌دارو در آستانه فروپاشی**

انگار بحران در صنعت داروسازی کشورمان جدی‌تر از این حرف‌هاست. همچنان که همایون سامه نجف‌آبادی رئیس کمیته داروی کمیسیون بهداشت مجلس معتقد است تحریم، تورم و فشار ارزی، صنعت دارو را در آستانه فروپاشی قرار داده‌است. به گفته وی متأسفانه وضعیت حوزه دارو روز به‌روز در حال بدتر شدن است و شرایط موجود نشان می‌دهد، اگر تصمیمات اساسی و پیش‌نگاره اتخاذ نشود، با بحران‌های جدی‌تری مواجه خواهیم شد. سامه یح تصریح می‌کند: «واقعیت این است که باید سال‌ها پیش برای چنین روزهایی برنامه‌ریزی می‌کردیم و متأسفانه رویکرد غالب در کشور، واکنشی بوده‌است به این معنا که معمولاً زمانی به فکر حل مشکل می‌افتیم که بحران شکل گرفته در حالی که امکان پیش‌بینی شرایط و تقویت زیرساخت‌های دارویی کشور از گذشته وجود داشته‌است.»

یکشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۴ | ۳۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۹۸۸۵۳۳

گزارش میدانی «جوان» از هم‌صدایی مسئولان و نسل نو در قلب دارالمؤمنین

اینجادختران خورشید، ریشه‌هایشان را پیدا کردند

سخنگوی شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «جوان»: وقتی مسجد، مدرسه و خانواده کنار هم قرار بگیرند

نتیجه‌اش همین می‌شود که می‌بینیم؛ اینکه دخترانی، در یک فضای تربیتی مشترک، رشد می‌کنند و هویت پیدا می‌کنند



گزارش یک

مهرسا گربندی

دختران خورشید، در شبی که حسینیته با عطر حضور یک شهید گمنام متبرک ک شده بود، آخرین برگ از اردوی ۲۴ ساعته‌شان را ورق زدند، اردویی مخصوص دختران ۱۳ تا ۲۰ ساله، که سال‌ها در هیئت‌های دخترانه خادمی کرده‌اند. اما

این بار، نه پشت صحنه، بلکه در نقش ستاره‌های اصلی یا به «شب‌های آفتابی» گذاشتند. ■ ■ ■

پنج‌شنبه، اختتامیه اردوی شب‌های آفتابی در حسینیته مبار که قتلگاه واقع در دارالمؤمنین تهران برگزار شد. در این برنامه همه‌چیز، از اجرا و پذیرایی گرفته تا نظم مراسم، همه و همه به دست خود دختران انجام می‌شد. آنها یک‌دل و رفیقانه کنار هم ایستادند تا جشنی باشکوه را در حضور مدیران شهری حاضر در حسینیته برگزار کنند. «شب‌های آفتابی» اما فقط یک برنامه منطفه‌ای نیست، بلکه رویدادی است که در دیگر مناطق تهران نیز جریان دارد. این اردو، پس از چند سال برگزاری، حالا به یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی تبدیل شده که به فعالیت‌های نوجوانان هیئتی در مساجد محلات، جان تازه می‌بخشد.

■ **صدای دختران نسل نو**

وقتی وارد حسینیته مبار که قتلگاه شدیم، جمعیتی از دختران و خانواده‌ها در انتظار آغاز مراسم موج می‌زد. همچنان در نگاه‌ها پیدا بود. با اعلام آمدگی برگزار کنندگان، وارد حسینیته شدیم. فضای داخل، پر از دختران نوجوانی بود که با روسری‌های صورتی و چادرهای مشکی، هماهنگ و منظم بودند. برخی‌شان خوشامد می‌گفتند و برخی دیگر نیز، نظم جمعیت را مدیریت می‌کردند.

مدیران شهری پس از ورود، در جایگاه از پیش تعیین‌شده نشستند و هنوز چند دقیقه نگذشته بود که مجری برنامه، که یکی از همین دختران نوجوان بود، با قدم‌هایی محکم روی سن آمد. لحسنش سرخ و بی‌تعارف بود. تمام آماشده‌ای خواننده که در حفظ حرف خودش، بلکه مطالبه جمعی از دختران خادم هیئت‌های نوجوانه‌های تهران بود، او گفت: «حرف‌های زیادی برای گفتن داریم، ما جمیع دختران خادم هیئت‌های نوجوانه شهر تهران هستیم که ما به اینجادور هم جمع شدیم. حرف‌هایی که می‌شنوید فقط حرف من نیست؛ صدای تمام دختران نوجوان ایران اسلامی است، ما همان قشری هستیم که سال‌ها پشت در نشست‌های مسئولان جا مانده‌ایم و کمتر کسی صدایمان را شنیده‌است، اما جایی فرسنگ‌ها دور تر، در اتاق‌های فکر دشمنان، هدف قرار گرفته‌ایم و سال‌هاست زیر بمباران جنگ نرم، روزمان شب می‌شود.»

فضا در سکوتی کامل فرو رفت، سکوتی که نشان می‌داد حرف‌هایش شنیده می‌شود. او ادامه داد: «اگر می‌بینید امروز بخش عمده‌ای از جمع ما تیر خورده و مجروح شده، تعجب نکنید. ما در طول این جنگ نرم، سیری برای دفاع نداشتیم و سنگر امنی نبود تا پشت آن پناه بگیریم. شاید خیلی از ما همان‌هایی بودیم که با دیدن ظاهرمان فکر می‌کردید آبی ازمان گرم نمی‌شود، اما امروز ما را در قامت خادمنین حیات نوجوانانه‌ی می‌بینید؛ کسانی که منشأ تحول مجروحان جنگ نرم شدند. ما هویت خود را در همین هیئت‌ها پیدا کردیم و فهمیدیم اگر سلاح نداشته باشیم، تیر دشمن اثر خواهد کرد.»

او سپس گلایه‌ای را مطرح کرد: «ما فرزندان همان رزمندگان ۱۲ و ۱۳ ساله‌ای هستیم که در دفاع مقدس نقش آفرینی کردند، اما هنوز برخی جنگ نرم را آستانه‌ی فروپاشی قرار داده‌اند. به ما می‌گویند، هنوز در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی، نام پسران قبل از دختران برده می‌شود و سهمی برای ما باقی نمی‌ماند. زیرساخت‌های فرهنگی و تربیتی کشور عمدتاً پسرانه‌است؛ مساجد، هیئات، ترویج، تولیدات رسانه‌ای و حتی فعالیت‌های مردمی.»

و در پایان، با لحنی امیدوار اما مطالبه‌گر گفت: «به امید روزی که اولویت‌ها در‌رست شناخته شوند تا

مانند اتفاقات ناگوار سال ۱۴۰۱ غافلگیر نشویم... از طرف دختران کنگستر شهر تهران.»

■ **روایت یک بیداری آرام**

در میان جمعیت، به دنبال ساعته‌شان از یکشنبه که «شب‌های آفتابی» باز شدند و در میان این جمع چه احساسی را تجربه می‌کردند، یکی از دختران ۱۵ ساله که نمی‌توانست نامی از او آورده شود، با صدایی آهسته و صادقانه می‌گوید: «قبل از اینکه خادم هیئت بنت‌الهدی شوم، فقط مخاطبش بودم. راستش خودم هم یکی از کسانی بودم که در این جنگ نرم، خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. سال ۱۴۰۱، یعنی همان روزهایی که اتفاقات زن، زندگی، آزادی افتاده بود، من راهم را گم کردم. با اینکه خانواده‌ام مذهبی بودند و هیئت می‌رفتم، اصلاً ترکی از ماجرا نداشت. یعنی نمی‌فهمیدم چرا باید حجاب داشته باشم و چرا باید چادر سر کنم. هیچ کس دلایلش را به درستی برایم توضیح نداد بود. همین شد که حالا به یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی تبدیل شده که به فعالیت‌های نوجوانان هیئتی در مساجد محلات، جان تازه می‌بخشد.

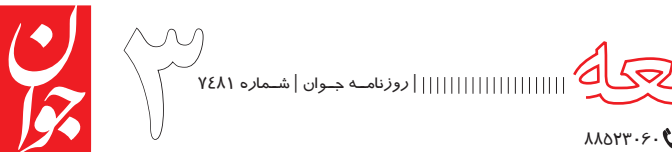
چشم‌هایش را پایین می‌اندازد. بغضی که ته گلویش مانده، با لامی آید و ادامه می‌دهد: «واقعاً حال بدی داشتم، انگار فقط می‌خواستم فرار کنم. دیگر هیچ‌چیز خوشحالم نمی‌کرد. به گمانم افسرده می‌شدم. بعد، با قدم‌ها غشو گروهای می‌شدم که طرفدار دواًتیشه فیلم‌های کره‌ای بودند و این باعث شدمیود که هم احساس تعلقم به خارج از وطن بیشتر و بیشتر شود. انگار هیچ چیز در داخل هیئت‌دندان‌مان شد، همه‌چیز عوض شد. انگار معنای زندگی رو پیدا کردم. کم‌کم که ارتباط قلبی با حضرت زهرا (س) پیدا کردم و مجدد به همان مسیری برگشتم که پدر و مادر ما بچگی نشام داده بودند، اما این بار با فهم و انتخاب خودم بود.»

و بی‌تعارف بود. تمام آماشده‌ای خواننده که در حفظ حرف خودش، بلکه مطالبه جمعی از دختران خادم هیئت‌های نوجوانه‌های تهران بود، او گفت: «حرف‌های زیادی برای گفتن داریم، ما جمیع دختران خادم هیئت‌های نوجوانه شهر تهران هستیم که ما به اینجادور هم جمع شدیم. حرف‌هایی که می‌شنوید فقط حرف من نیست؛ صدای تمام دختران نوجوان ایران اسلامی است، ما همان قشری هستیم که سال‌ها پشت در نشست‌های مسئولان جا مانده‌ایم و کمتر کسی صدایمان را شنیده‌است، اما جایی فرسنگ‌ها دور تر، در اتاق‌های فکر دشمنان، هدف قرار گرفته‌ایم و سال‌هاست زیر بمباران جنگ نرم، روزمان شب می‌شود.»

فضا در سکوتی کامل فرو رفت، سکوتی که نشان می‌داد حرف‌هایش شنیده می‌شود. او ادامه داد: «اگر می‌بینید امروز بخش عمده‌ای از جمع ما تیر خورده و مجروح شده، تعجب نکنید. ما در طول این جنگ نرم، سیری برای دفاع نداشتیم و سنگر امنی نبود تا پشت آن پناه بگیریم. شاید خیلی از ما همان‌هایی بودیم که با دیدن ظاهرمان فکر می‌کردید آبی ازمان گرم نمی‌شود، اما امروز ما را در قامت خادمنین حیات نوجوانانه‌ی می‌بینید؛ کسانی که منشأ تحول مجروحان جنگ نرم شدند. ما هویت خود را در همین هیئت‌ها پیدا کردیم و فهمیدیم اگر سلاح نداشته باشیم، تیر دشمن اثر خواهد کرد.»

او سپس گلایه‌ای را مطرح کرد: «ما فرزندان همان رزمندگان ۱۲ و ۱۳ ساله‌ای هستیم که در دفاع مقدس نقش آفرینی کردند، اما هنوز برخی جنگ نرم را آستانه‌ی فروپاشی قرار داده‌اند. به ما می‌گویند، هنوز در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی، نام پسران قبل از دختران برده می‌شود و سهمی برای ما باقی نمی‌ماند. زیرساخت‌های فرهنگی و تربیتی کشور عمدتاً پسرانه‌است؛ مساجد، هیئات، ترویج، تولیدات رسانه‌ای و حتی فعالیت‌های مردمی.»

و در پایان، با لحنی امیدوار اما مطالبه‌گر گفت: «به امید روزی که اولویت‌ها در‌رست شناخته شوند تا



روزنامه جوان | شماره ۲۸۸۱

سیاست‌گذاری‌ها باید محوریت خانواده و بانوان دیده شود. این وظیفه هر کدام از ماست که موانع را برداریم و گشایش ایجاد کنیم.» اما بخش مهم صحبت‌های او، جایی بود که به نقطه تاریقی سه نهاد تربیتی اشاره می‌کند: «در این اردو، مسجد، مدرسه و خانواده کنار هم قرار گرفته‌اند. وقتی که این سه زیرساخت فرهنگی هم‌افزا شوند، نتیجه‌اش همین می‌شود که امروز می‌بینیم، اینکه دخترانی، در یک فضای تربیتی مشترک، رشد می‌کنند و هویت پیدا می‌کنند.»

■ **از دل محله تادل نوجوانان**

در مراسم اختتامیه اردوی شب‌های آفتابی، امیر شهرابی، شهردار منطقه ۴ نیز حضور داشت و با دقت برنامه را دنبال می‌کرد. او در گفت‌وگو با «جوان» به ریشه‌های فرهنگی این منطقه اشاره کرد، ریشه‌هایی که به باور او، زمینه‌ساز چنین حضوری پرشور شده‌است: «محمدالله منطقه ما خمیرمایه برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی را دارد. قشر غالب ساکنان از میانی انقلابی و اسلامی بالایی برخوردارند و این بچه‌ها هم از همین خانواده‌ها برآمده‌اند. از طرفی منطقه ۱۴ از نظر تعداد مسجد نسبت به جمعیت، یکد از سرانه‌های بالای تهران را دارد و همین باعث شده استقبال خوبی از سوی جوانان شکل بگیرد، هم دختران و هم پسرها. حضور نوجوانان در کنار یکدیگر هم‌افزایی اجتماعی‌شان را بالا می‌برد، دوستان جدید برایشان می‌سازد و یک فضای اشتراک‌گذاری اعتقادی و انقلابی ایجاد می‌کنند.»

از او می‌پرسم اگر قرار باشد این اردو تنها یک پیام برای نسل نوجوان داشته باشد، آن پیام چیست؟ می‌گوید: «برای این بچه‌ها، موضوعات اعتقادی مهم است. آنها به میانی دین اعتقاد دارند، باور دارند که مسجد پایگاه است و در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که با پایه‌های دینی‌اش مستحکم است. البته در این برنامه‌ها نوجوانانی با نگاهی خانوادگی متفاوت به شرکت می‌کنند و شاید همین فضا، جاذبه‌ای برای طیفه‌های متنوع‌تر اعتقادی.»

نسلی که شهرابی از آن می‌گوید، حالا در‌رست مقابل چشمش ایستاده، نسلی که هنوز محله و ریشه‌ایش را پیدا می‌کند. او در ادامه، به تفاوت این دوره با سال‌های گذشته اشاره می‌کند: «تفاوتی که به گفته او، نتیجه تجربه و استمرار است: «امسال تعداد نفرات بیشتری شرکت کردند. بر برنامه منظم‌تر بود و هماهنگی‌ها بیشتر. وقتی طرح تکرار می‌شود، جامی‌افتد و ناقوض هم برطرف می‌شود.»

مشکات مکنی می‌کند و با صدایی که از عمق باورش می‌آید، می‌گوید: «به گمانم حضرت فاطمه (س) به ما نظر کرده‌است. این را از اعماق وجودم می‌فهمم.» حرف‌هایش کوتاه است، اما آن قدر صادقانه که احساس می‌کنم بخشی از مسیر زندگی‌اش را پیش چشم‌ام ورق می‌زند.

■ **محل تلاقی مسجد، مدرسه و خانواده**

در حالی که صدای دختران در فضای حسینیته می‌پیچد، به سراغ علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای اسلامی شهر تهران می‌روم و درباره اهمیت برگزاری این رویداد می‌پرسم. او در این رابطه می‌گوید: «این دوره، برنامه‌ای پربرونق است که هر سال تحت عنوان شب‌های آفتاب برگزار می‌شود، شبیه یک اردو هم، هم برای پسرها و هم برای دختران‌ها، اما آنچه برای ما اهمیت دارد، نقش زنان است، زن به‌عنوان محور خانواده، مهم‌ترین حلقه‌ای که فقط وظیفه خانم‌ها نیست. بخش زیادی از آن باید توسط مسئولان، چه خانم و چه آقا، عملیاتی شود.»

نادعلی سپس به تلاش‌های مدیریت شهری اشاره می‌کند، تلاش‌هایی که به گفته‌او، باید در نهایت به ارتقای جایگاه بانوان در شهر منجر شود: «آقای دکتر زاکانی، شهرداران مناطق و رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران، همه تلاششان را انجام می‌دهند تا جایگاه بانوان در شهر را تقا پیدا کند. بدون شک در خدمات شهری، در برنامه‌ها و در

اتفاق بیفتد.» نادعلی با اشاره به نشست‌های سالانه رهبر انقلاب با بانوان در ایام میلاد حضرت زهرا (س) بیان می‌کند: «در آن نشست‌ها حرف‌های مهمی مطرح می‌شود، حرف‌هایی که فقط وظیفه خانم‌ها نیست. بخش زیادی از آن باید توسط مسئولان، چه خانم و چه آقا، عملیاتی شود.»

او سپس از برنامه اردویی پسران می‌گوید، برنامه‌ای که قرار است در ماه‌های آینده اجرا شود: «در حوزه پسرها هم برنامه در ۲۱ مسجد برگزار خواهد شد. بعد از امتحانات دی‌ماه، در مدارس و سپس در ماه بهمن و ایام شعبان، اختتامیه‌ای با حضور حدود هزار نفر برگزار می‌کنیم که ۵۰۰ نفر از آنها نوجوانان ۱۳ تا ۲۰ ساله خواهند بود.»

حرف‌های فیلسوف زاده، تصویر کامل‌تری از اردوی شب‌های آفتابی را نشان می‌دهد، اردویی که نه فقط یک برنامه فرهنگی، بلکه برنامه گسترده‌ای از مسجد، خانواده، مدرسه و گروه‌های مردمی است تا کنکا هم، برای نسل نوجوان، تجربه‌ای مشترک، هم‌تسا‌ز و ماندگار سازند.

پس از اتمام این اردوی ۲۴ ساعته، حسینیته آرام آرام خلوت می‌شود و مهمهمه جمعیت، جای خود را به سکوت می‌دهد. آن چیزی که در فضا می‌ماند، صدای قدم‌های محکم دخترانی است که با آمیدی

تازه‌ای که حسینیته بیرون می‌روند. دخترانی که هر کدامشان، تکه‌ای از نور شب‌ها را با خود می‌برند و شاید همین شب‌های آفتابی، چراغ مسیر فردا و

فرمایشان شده‌باشد.

داستان زندگی

صادق پارسا

واقعیت یک رؤیا

در داستان «زنان پشیم ریس»، ماجرای خلق ایده به نظم کشیدن رشته‌های در هم تنیده پلیمیر با الهام از پشم‌ریسی زنان خنثامانی را تعریف کردم.

در قصه «بره‌های مادر بزرگ» تعریف کردم که مادر بزرگ با مقداری یونجه بره هایش را به داخل آغول می‌کشاند. من هم یونجه مناسب را یافتم. ولی منومرها به طرف آن جذب نشدند.

در قصه «یادگیری زایشی» توضیح دادم، که انگیزه من در این کار دفاع از ملیت بود که به ناحق انگ زرتوستی خورده بود.

در داستان «رؤیای سپیددم» گفتم که چگونه مشاهده نور سبز فیروزه‌ای من را به آرزوهایم رساند. ■ ■ ■

پروفسوری که مسئولیت دپارتمان فیزیک کاربردی را به عهده داشت، معمولاً ساعت ۹ می‌آمد، بعد‌های آزمایشگاه را طی می‌کرد، نیم نگاهی به آزمایشگاه می‌انداخت و به دفتر خود در طبقه دوم می‌رفت. حضور من آن روز در آن ساعت صبح در آزمایشگاه برای پروفیسور تعجب‌آور بود. همین‌طور که از آخرین پله‌ها بالا می‌رفتم با لحنی متفاوت و با صدای بلند گفتم: «صغر دیشب خوابی دیده‌ای که صبح سه این زودی به آزمایشگاه آمده‌ای؟» در لحن مهربانش نوعی متلک حس می‌کردم! خوب شد که منظر جواب من نماند و رفت! راستش جوابی هم برای او نداشتیم. من که تا آن روز صدها بار آزمایشگاه را مختلفی را در این زمینه انجام داده‌بودم، می‌توانستم با سرعت زیادی نمونه‌های جدید تولید کنم. حالا که در این مرحله روی کلرید مس دوپلر فیتی (CuCl2) منمزرک شده‌بودم زودتر از آنچه تصور می‌کردم به نتیجه رسیدم. چند آزمایش انجام دادم که پلیمرها‌ی روی پلیمیر قالب تولید شد به رغم آن همه نوسیدی حالا گویی انتظار این نتیجه را داشتیم. همین بود که به اتاق پروفیسور زنگ زدم و خواهش کردم که سری به آزمایشگاه بزنند! می‌خواستم جواب متلک مهربانانش را بدهم، بیاید و شخصاً ببیند که خواب تعبیر شده‌است. پروفیسور بلافاصله به آزمایشگاه آمد، نتیجه را با دقت بررسی و تأیید کرد، همان‌جا زمان‌هاست خواست که آزمایش‌های کنترل‌ری را با دقت تکرار و نتیجه را ثبت کنند. حوالی ظهر با تلاش پیوسته همکاران تمامی آزمایش‌های لازم در تأیید کار انجام شد و بدین ترتیب روش «قالبی پلیمرها‌ی الکترسیسته» (Polymerization of Electrically Conducting Polymers) ابداع و خلق شد، به همین سادگی و با چه مشتاقی اما!

حالا دیگر همه پذیرفته بودند که پلیمیر تولید شده روی پلیمیر قالب، همان هدف مورد نظر ما بوده‌است. تقدیر این گونه بود که در دست در همان روز در کنفرانس یک سمینار بین‌المللی پلیمرها‌ی هادی جریان الکترسیسته در حال برگزاری بود. پروفیسور پیشنهاد کرد که تلاش کنیم شاید بتوانیم نتیجه کار را در این سمینار ارائه نماییم. مشکل اما این بود که برای طرح موضوع در سمینار ابتدا باید مرحله ثبت اختراع از طی می‌کردیم. کاری که انجام آن و آن هم با آن سرعت عملاً غیرممکن می‌کرد.

من را رئیس اداره ثبت اختراع در لین شوپینگن روابط صمیمانه و خانوادگی نزدیکی داشتم، مسئولیت انجام این کار را برعهده گرفتم و تاخودیک کردم که تا پایان وقت این کار را انجام بخواهم داد. تلفنی با رئیس اداره ثبت اختراع تماس گرفتم و شرایط اضطراری پیش آمده را توضیح دادم، ایشان هم در یک اقدام نامتعارف به اتفاق همکاران خود به اندازه‌امد و به سرعت کار ثبت اختراع را انجام داد.

سرعت هماهنگی‌ها یی‌سابقه بود. همکاران من توانستند با تقاضای اضافه کردن ۱۵ دقیقه به وقت سمینار در کنهنگار فرصت لازم جهت ارائه طرح را به دست بیاورند و این در حالی بود که من در راه کنهنگار بودم. ۴۵۰ کیلومتر آن سوتر از جایی که بودیم!

همه چیز درست به دست ما شد که من بتوانم کار موفق خود را در سمینار ارائه کنم. اتفاقی که به تمامی مراکز پژوهشی دنیا اعلام گردید.

من نمی‌دانم مصداق دقیق معجزه چیست؟ این را اما به خوبی می‌دانم. اختراع و تلاقی در زمان و مکان مناسب صورت گیرد، جهانی می‌شود. مثل مثل کاری که من کرده‌بودم! و پشت آن البته نیرویی و رای تمام حساب و کتاب‌های معمول مرا پشتیبانی می‌کرد.



ورود ماهانه ۳رام قطار به ناوگان مترو

مسافران حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران گفت: با اجرای قرارداد جدید، در صورت ورود کامل واگن‌ها، ناوگان متروی تهران با رشد ۲۴ درصدی مواجه خواهد شد.

محسن هرمزی، معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران اظهار کرد: در قار نخست، ۵۰۰ دستگاه اتوبوس برقی از چین خریداری شد که تاکنون ۳۹۰ دستگاه وارد کشور شده و بقیه بازوری در گمرک ترخیص خواهند شد. همچنین قرارداد خرید ۴۰۰ اتوبوس دوکابین نهایی شده‌است. علاوه بر این، در سفر اخیر شهردار تهران به چین، قرارداد خرید ۷۵ دستگاه متروباس سه کابین با ظرفیت کامل حدود ۲۰۰ نفر

متنقد شد که قرار است در خط پایانه شرق تا میدان آزادی فعالیت کنند. در بخش تاکسی‌های برقی اقامات جدی در جریان است. تا روز گذشته پلاک‌گذاری هزار و ۷۵۲ تاکسی برقی آغاز شد و ۱۰۰ دستگاه از آنها در پایانه‌های ترافیک از جنوب شرق تا شمال شرق تهران امتداد دارد و تک و بازار مرکزی تهران به کار گرفته شدند.

وی گفت: بر اساس قرارداد با چین هزار و ۷۱ دستگاه واگن مترو برای تهران در نظر گرفته شده‌است. در قرارداد اولیه ۶۳۰ دستگاه پیش‌بینی شده بود که با پیگیری‌های انجام‌شده، ۱۶۱ دستگاه دیگر با برقی تهران ۲۵ درصدی اضافه کرد.

هرمزی ادامه داد: بدین‌گونه از رام قطار مترو شامل ۱۴ واگن مراحل نهایی ساخت را می‌گذرانند و یکی از آنها تا پایان دی‌ماه به صورت آزمایشی وارد کشور می‌شود. همچنین کشتی‌های حامل قطارها رازرو شدند و از ۴۰ کیلومتر و ۱۵ ایستگاه از جنوب شرق تا شمال شرق تهران امتداد دارد

فروردین ۱۴۰۵، هر ماه دو تا سه رام قطار وارد تهران خواهد شد. اجرای کامل این قرارداد حدود سه سال زمان می‌برد و از خرداد ۱۴۰۵ نیز همکاران مشترک برای بومی‌سازی ماشین‌ها آغاز می‌شود.

معاون شهردار تهران خاطر نشان کرد: ساخت کامل خط ۸ متروی تهران به‌صورت مستقیم به شرکت‌های چینی سپرده شده‌است. این خط به‌عنوان رینگ ارتباطی داخلی شبکه مترو عمل می‌کند و باطول تقریبی ۴۰ کیلومتر و ۱۵ ایستگاه از جنوب شرق تا شمال شرق تهران امتداد دارد و تک و بازار مرکزی تهران به کار گرفته شدند.

هرمزی گفت: در صورت ورود کامل واگن‌ها، ناوگان متروی تهران با رشد ۲۴ درصدی مواجه خواهد شد. این افزایش به معنی کاهش زمان انتظار، کاهش شلوغی واگن‌ها و افزایش رضایت شهروندان است. در واقع هدف ما صرفاً خرید تجهیزات نیست؛ ما به دنبال انتقال فناوری و بومی‌سازی ساخت ناوگان حمل و نقل پاک هستیم تا در آینده نزدیک تهران نه‌تنها مصرف‌کننده، بلکه شریک فناوری در این حوزه باشد.

هرمزی گفت: در صورت ورود کامل واگن‌ها، ناوگان متروی تهران با رشد ۲۴ درصدی مواجه خواهد شد. این افزایش به معنی کاهش زمان انتظار، کاهش شلوغی واگن‌ها و افزایش رضایت شهروندان است. در واقع هدف ما صرفاً خرید تجهیزات نیست؛ ما به دنبال انتقال فناوری و بومی‌سازی ساخت ناوگان حمل و نقل پاک هستیم تا در آینده نزدیک تهران نه‌تنها مصرف‌کننده، بلکه شریک فناوری در این حوزه باشد.